

## تحلیل سیاسی هفته (۷۵) انتخابات شهرداری‌های فرانسه و تقویت راست افراطی

معاونت پژوهش‌های سیاسی - حقوقی  
دفتر: مطالعات سیاسی  
شماره مسلسل: ۲۶۰۱۳۵۸۶  
تاریخ انتشار: ۱۳۹۳/۱/۲۵

نویسنده: سمانه احمدخان بیگی

### مقدمه

با برگزاری مراحل اول و دوم انتخابات محلی در فرانسه در سوم و دهم فروردین‌ماه، حزب راست میانه «اتحاد برای جنبش مردمی» (یوام‌پی) به رهبری ژان فرانسوا کوپه که حزب طرفدار سارکوزی است، به پیروزی رسید و همچنین حزب راست افراطی «جبهه ملی» به رهبری مارین لوپن به‌طور بی‌سابقه‌ای در تعدادی از شهرها اکثریت آرا را به‌دست آورد. در پی شکست حزب حاکم سوسیالیست در انتخابات شهرداری‌ها، «ژان مارک ارو» نخست وزیر فرانسه از مقام خود کناره‌گیری و فرانسوا اولاند رئیس جمهور این کشور، مانوئل والس وزیر کشور را به عنوان نخست‌وزیر جدید معرفی کرد. بسیاری نخست‌وزیر جدید را به‌عنوان چهره راست حزب سوسیالیست می‌شناسند که در نظرسنجی‌هایی که اخیراً در فرانسه انجام شده از محبوبیت بالایی، از جمله در میان برخی از رأی‌دهندگان راست‌گرا، برخوردار بوده است.

در مرحله اول انتخابات محلی که سوم فروردین‌ماه برگزار شده بود، «جبهه ملی» تنها در یکی از شهرهای این کشور موفق به کسب اکثریت آرا شد. این در حالی بود که بسیاری از احزاب فرانسه از این وضعیت نگران بودند، زیرا جبهه ملی تا آن زمان هیچ یک از شهرداری‌های فرانسه را در اختیار نداشت. از این‌رو «ژان مارک ارو» از رأی‌دهندگان و به ویژه کسانی که در این انتخابات شرکت نکرده بودند خواست تا علیه راست افراطی بسیج شوند. اما دور دوم انتخابات شهرداری‌ها نیز پیروزی احزاب راست میانه و افراطی را در اکثر شهرهای فرانسه به دنبال داشت. لذا با وجود اتحاد تمام احزاب چپ‌گرای فرانسه برای جلوگیری از پیروزی جبهه ملی، حزب حاکم سوسیالیست در دور دوم انتخابات شکست خورد.

پیروزی جبهه ملی در شرایطی به دست آمده است که در مرحله اول انتخابات محلی، ۳۶/۵ درصد و در مرحله دوم ۲۸ درصد فرانسوی‌ها از حضور در پای صندوق‌های رأی خودداری کرده‌اند که این امر در سطح انتخابات محلی بی‌سابقه بوده است. در این انتخابات احزاب چپ‌گرا کنترل ۱۵۵ شهر دارای بیش از ۹ هزار جمعیت را از دست داده و به اپوزیسیون اصلی یعنی حزب طرفدار سارکوزی (۱۴۰ شهر) و همچنین راست افراطی (۱۵ شهر) واگذار کردند. در این راستا بسیاری از تحلیلگران معتقدند رأی‌دهندگان فرانسوی در انتخابات شهرداری‌ها به جناح راست متمایل شده‌اند. هرچند تنها نقطه روشن برای فرانسوا اولاند، پیروزی اولین شهردار زن پاریس از میان سوسیالیست‌هاست اما جبهه ملی کنترل ۱۵ شهر را به‌دست گرفته است. از سوی دیگر نظرسنجی‌ها نشان می‌دهند که حزب ضد اتحادیه اروپایی جبهه ملی، در انتخابات ماه مه پارلمان اروپا به‌عنوان حزب پیشرو فرانسه در حال ظهور است. بنابراین شکست سوسیالیست‌ها و قدرت گرفتن احزاب راست‌گرا به‌ویژه راست افراطی در پی انتخابات فرانسه از اهمیت ویژه‌ای در تحولات اروپا برخوردار است.

## عوامل مؤثر در شکست جناح حاکم

### ۱. سازماندهی و شرکت فعال گروه‌های راست افراطی در انتخابات

به عقیده برخی کارشناسان، دلیل شکست احزاب سوسیالیست در انتخابات محلی فرانسه و موفقیت نسبی جبهه ملی در برخی مناطق این کشور، خودداری بسیاری از فرانسویان از شرکت در انتخابات بود، در حالی که گروه‌های راست افراطی به‌گونه‌ای سازمان‌یافته هواداران خود را به حضور در پای صندوق‌های رأی تشویق کرده بودند. به‌طوری‌که در نظرسنجی‌ها نیز اقبال عمومی به حزب راست‌گرای افراطی جبهه ملی به رهبری «مارین لوپن» افزایش پیدا کرده بود.

### ۲. نارضایتی از وضعیت موجود و شرایط نامطلوب اقتصادی

برخی تحلیلگران معتقدند بسیاری از کسانی که در انتخابات شرکت نکردند، رأی‌دهندگان سابق به حزب سوسیالیست بوده‌اند که از عملکرد دولت چپ میانه فرانسوا اولاند، به‌ویژه در زمینه اقتصادی، نارضاضی بوده‌اند. آنها به تازه‌ترین آمار نرخ اشتغال در فرانسه اشاره می‌کنند که از افزایش بیکاری در این کشور حکایت دارد که احتمالاً در کاهش محبوبیت رئیس‌جمهور فرانسوا اولاند و دولت او تأثیرگذار بوده است. به‌طوری‌که پس از شکست سوسیالیست‌ها در انتخابات، وی در پیام تلویزیونی خود وعده داد که مالیات بر درآمد را کاهش خواهد داد و برای انجام اصلاحاتی در امور اقتصادی تلاش خواهد کرد.

## چالش‌های پیش‌روی دولت جدید در فرانسه

### ۱. عدم اعتماد عمومی به تغییرات اساسی در دولت

مانوئل والس، نخست‌وزیر جدید فرانسه به اتخاذ سیاست‌های سختگیرانه در زمینه برقراری امنیت و مقابله با جرائم و تخلفات اجتماعی شهرت دارد. اما احزاب مخالف دولت فرانسه معتقدند دولت با وجود تغییر، همان سیاست‌های قبلی را دنبال می‌کند. ژان فرانسوا کوپه رهبر حزب راست‌گرای «یوامپی» معتقد است در ترکیب دولت جدید هیچ‌کدام از نگرانی‌های مردم فرانسه رفع نشده است و نمی‌توان گفت تغییری در توان مردم فرانسه برای حفظ خانه‌هایشان یا ایجاد امید در کشور ایجاد شده است. مارین لوپن رهبر «جبهه ملی» نیز در مورد تغییر سیاست‌های جدید دولت نسبت به دو سال گذشته ابراز تردید کرده است. پیر لوران رهبر حزب کمونیست فرانسه نیز دولت جدید را همان گروه قبلی می‌داند که تنها توسط نخست‌وزیر جدیدی اداره می‌شود. از سوی دیگر به عقیده برخی تحلیلگران بسیاری از فرانسوی‌ها وزرای جدید کشورشان را ناتوان و دنباله‌روی سیاست‌های وزرای پیشین می‌دانند. در نظرسنجی‌های مختلف نیز مشخص شده است که بیش از نیمی از فرانسوی‌ها دولت جدید به نخست‌وزیری مانوئل والس وزیر کشور سابق را یک «دولت مبارز» تلقی نمی‌کنند.

عدم تغییر عمده سیاست‌های دولت فرانسه حداقل در کوتاه‌مدت، در حوزه‌های سیاست خارجی و دفاعی بیشتر مشهود است. به‌طوری‌که در کابینه «مانوئل والس»، «لوران فابیوس» در سمت وزیر امور خارجه و «ژان ایو لودریان» نیز در سمت وزارت دفاع ابقا شدند.

### ۲. چالش‌های مالی

با وجود تلاش‌های دولت فرانسوا اولاند برای حل مشکلات مالی و اقتصادی فرانسه، وضعیت مالی نگران‌کننده در این کشور و بدهی‌های عمومی دولت یکی از چالش‌های پیش‌روی دولت جدید است، به‌طوری‌که دولت باید برای اجرای برنامه‌های کاهش کسری بودجه تلاش‌های مضاعفی را انجام دهد. اگرچه نرخ بیکاری در فرانسه در میان کشورهای منطقه یورو متوسط است، اما افزایش سطح آن در این کشور طی دهه گذشته نگران‌کننده بوده است. لذا برخی اقتصاددانان معتقدند با توجه به اینکه شرایط اقتصادی

فرانسه طی دو سال گذشته به شدت رو به وخامت رفته است، دولت جدید تا مدت‌ها با بیکاری و کسری بودجه عمومی دولت سوسیالیستی مواجه خواهد بود.

### ۳. اختلافات در کابینه

یکی از مهمترین چالش‌های نخست‌وزیر جدید فرانسه وجود اختلاف و شکاف در داخل حزب سوسیالیست است. در واقع علاوه بر مشکلات فراوان اقتصادی، مانوئل والس با چالش شکاف میان احزاب چپ فرانسه و به‌ویژه کسانی روبروست که احساس می‌کنند سوسیالیست‌ها از مواضع اصولی خود در ارتباط با مسائل اجتماعی و اقتصادی عدول کرده‌اند. بنابراین این مسئله می‌تواند به ایجاد شکاف در کابینه وی منجر شود. از سوی دیگر برخی وزرای دولت که به حزب سبزه‌ها تعلق دارند اعلام کرده‌اند که در ائتلاف حاکم باقی نخواهند ماند و در دولت جدید شرکت نخواهند کرد. به اعتقاد آنها در شرایط کنونی اقتدار لازم برای اجرای مسئولیت به وزیران داده نشده است و لذا در این وضعیت نمی‌توان با دولت همکاری کرد.

### پیامدها

#### ۱. قدرت گرفتن احزاب راست افراطی در فرانسه و دیگر کشورهای اروپایی

تاکنون انتخابات شهرداری‌ها، معمولاً انتخاباتی بود که جبهه ملی بدترین عملکرد را در آن داشت. در انتخابات اخیر این جناح به طور بی‌سابقه‌ای کنترل حداقل ۱۴ شهر را به دست گرفته و «اتحاد برای جنبش مردمی» نیز ۱۴۰ شهری را که سوسیالیست‌ها از دست داده بودند تصاحب کرد. نتیجه این انتخابات نشان داد که سیاست‌های این جبهه تغییر کرده و وجهه تازه‌ای به دست آورده است و اکنون نفوذ خود را از پایگاه‌های سنتی‌اش در شمال و جنوب شرق فرانسه فراتر برده و جایگاهی در سطح ملی برای خود باز کرده است. به طوری که حتی حزب تندرو و راست‌گرای «جبهه ملی فرانسه» به رهبری «ژان ماری لوپن» - پدر مارین لوپن - در نظرسنجی‌های انتخابات ۲۰۱۲ این کشور، جایگاه سوم را از آن خود کرده بود.

جایگاه احزاب راست افراطی در دیگر کشورهای اروپایی نیز به شدت در حال تقویت است. برای مثال ایتالیا، بلژیک، هلند، سوئیس، کشورهای اسکاندیناوی از جمله فنلاند، سوئد و دانمارک نیز شاهد رشد این گرایش‌ها در کشورهای خود بوده‌اند. پیشرفت این احزاب در کشورهای اروپایی به حدی بوده است که دیوید کامرون و آنگلا مرکل از مرگ تکثرگرایی فرهنگی در این کشورها سخن گفته‌اند که از بسیاری جهات ناشی از افزایش محبوبیت احزاب راست افراطی در صحنه سیاسی و تلاش آنها برای تبدیل شدن به بخشی از جریان اصلی سیاسی در اروپا بوده است.

#### ۲. موفقیت احزاب راست افراطی در انتخابات آتی پارلمان اروپا

نتیجه انتخابات شهرداری‌ها در فرانسه نشان داد که میزان محبوبیت احزاب راست‌گرا و به‌ویژه راست افراطی در این کشور به طرز چشمگیری افزایش یافته است. اکنون پس از موفقیت چشمگیر در انتخابات محلی فرانسه، این احتمال وجود دارد که جبهه ملی در انتخابات پارلمان اروپا، که در ماه مه برگزار خواهد شد، نیز پیروزی قابل توجهی کسب کند. اما طبق نظرسنجی‌ها در این انتخابات، حزب راست افراطی «جبهه ملی» و حزب محافظه‌کار «اتحاد برای جنبش مردمی» رقابت تنگاتنگی خواهند داشت. در این راستا مارین لوپن، رهبر جبهه ملی، انتخابات محلی فرانسه را یک زمین‌لرزه سیاسی دانسته است که به ظهور مجدد میهن‌پرستی و حاکمیت در سراسر اروپا منجر خواهد شد.

لازم به ذکر است که در انتخابات پارلمان اروپا تعیین نمایندگان بر اساس تناسب آراست. بر این اساس، برای اولین بار جبهه ملی می‌تواند شماری از کرسی‌های پارلمان اروپا را که نشان‌دهنده میزان حمایت عمومی از این حزب است، به خود اختصاص دهد.

برخی تحلیلگران معتقدند این احتمال وجود دارد که بسیاری از افراد طرفدار سوسیالیست‌ها، مانند انتخابات شهرداری‌ها یا در رای‌گیری شرکت نکنند و یا حتی به جبهه ملی رأی دهند. لذا این امکان وجود دارد که «جبهه ملی» به صورت حزب جدید طبقه کارگر در آمده یا حتی جای حزب کمونیست سابق را بگیرد. بنابراین با توجه به اینکه ممکن است جبهه ملی ۲۰ تا ۲۵ درصد آرا را به دست آورد، پیش‌بینی می‌شود بتواند ۱۵ تا ۲۰ کرسی پارلمان اروپا را تصاحب کند و به این ترتیب با همراهی دیگر متحدانش از سایر کشورها، بتواند یک گروه پارلمانی قدرتمند را در اروپا تشکیل دهد.

### ۳. رشد مهاجرت‌ستیزی و اسلام‌ستیزی در اروپا

نئولیبرالیسم در اروپا باعث افزایش فاصله طبقاتی در قاره‌ای شده که خاستگاه دولت‌های رفاه بوده است. این مسئله باعث شده بسیاری از مردم مهاجران را عامل وضعیت نامطلوب اقتصادی خود قلمداد کنند. به همین دلیل شاهد موج مهاجرت‌ستیزی در این قاره و به جنب و جوش در آمدن حرکت‌های اعتراضی علیه دولت‌هایی هستیم که ریاضت اقتصادی را برای فائق آمدن بر بحران اقتصادی به مردم تحمیل کرده‌اند. این عوامل را می‌توان دلیل ظهور احزاب راست افراطی با گرایش‌های فکری مخالف مهاجرت در فرانسه و در نتیجه عقب‌نشینی از سیاست‌های سوسیالیستی در این کشور دانست. درحالی که گفته می‌شود بسیاری از اعضای مؤسس حزب جبهه ملی که گرایش‌های نژادپرستانه داشته‌اند، از حزب بیرون رفته‌اند، اما بسیاری از منتقدان معتقدند منشأ و اساس حزب، نژادپرستانه باقی مانده است. از سوی دیگر با رشد و گسترش احزاب مهاجرت‌ستیز در دیگر کشورهای اروپایی و با در نظر داشتن این نکته که آنها مهاجران مسلمان را تهدیدی برای فرهنگ اروپایی می‌دانند، قدرت گرفتن احزاب راست افراطی در کشورهای اروپایی در بلندمدت می‌تواند منجر به رشد اسلام‌ستیزی در این کشورها شود.

### جمع‌بندی

در مجموع انتخابات اخیر در فرانسه که منجر به بروز تغییر در دولت و تغییر نخست‌وزیر در این کشور شد، نقطه عطفی در بروز تغییرات در جناح حاکم، تضعیف قدرت سوسیالیست‌ها به رهبری اولاند و افزایش و رشد احزاب راست‌گرا به‌ویژه حزب سارکوزی و حزب راست افراطی جبهه ملی در این کشور محسوب می‌شود. این امر در روند تحولات جاری اروپا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در واقع انتخابات اخیر نشان داد تغییر افکار عمومی اروپایی‌ها و گرایش به سمت احزاب راست و به خصوص راست افراطی در کشورهای اروپایی به شدت گسترش یافته است. این امر می‌تواند به نوبه خود بر گرایش‌های مردم این کشورها به سمت کم‌رنگ شدن گرایش‌های سوسیالیستی در حوزه اقتصاد و از بین رفتن تکثرگرایی فرهنگی و به تبع آن تقویت موج مهاجرت‌ستیزی در این کشورها تأثیرگذار باشد.

